

# حدود تمکین زوجه و موارد سقوط نفقه در فقه شیعه و اهل تسنن و حقوق

عبدالجبار زرگوش نسب<sup>۱\*</sup>

معصومه افشاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱

## چکیده

تمکین از آثار مترتب بر عقد نکاح است و در دو معنای عام و خاص به کار برده می‌شود. تمکین خاص به معنی زناشویی و نزدیکی و الزام زن برای برقراری رابطه زناشویی در حد متعارف است. تمکین خاص از مباحث حقوقی مورد ابتلاء زوجین بوده، نحوه‌ی اجرای تعهدات متقابل زوجین بستگی به این حق دارد. تمکین عام به معنای پذیرفتن ریاست شوهر بر زن است، و توقف خروج زوجه از خانه بر اذن شوهر. از آنجا که تمکین یکی از مسائل مبتلابه در خانواده‌ها است و یکی از دلایل مهم افزایش آمار طلاق و تنش‌های خانوادگی می‌باشد، انجام پژوهش حاضر ضرورت یافته است. در این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته، با بررسی نظرات فقهای فریقین در خصوص حدود تمکین و موارد سقوط نفقه؛ نتیجه گرفته شده است که تمکین صرفاً وظیفه زوجه نیست؛ بلکه زوج نیز مکلف به تمکین و ادای حقوق زوجه می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** تمکین، زناشویی، نفقه، زوجه، مهریه.

<sup>۱\*</sup> -دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه ایلام، [a.zargooshnasab@ilam.ac.ir](mailto:a.zargooshnasab@ilam.ac.ir)

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد، [tahghighat2@chmail.com](mailto:tahghighat2@chmail.com)



## مقدمه

هدف و غایت اصلی ازدواج تشکیل نهادی به نام خانواده است، که نخستین و بنیادی‌ترین نهاد در جامعه است. صلاح و فلاح جامعه وابسته به سلامت این نهاد می‌باشد. هرآنچه که در تحکیم پیوند این نهاد و ایجاد صمیمیت زوجین مؤثر است باید در تقویت آن حداکثر کوشش به عمل آید و بالعکس هرآنچه که موجب سستی و از هم گسیختگی این کانون مقدس شود باید با آن مبارزه نمود. اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی پیوند زن و شوهر را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع از نظر خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت نمودن وی به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۹/ ۴۳۷) قرآن کریم نیز با توجه به نقشی که تمکین در حفظ و حراست اعضای خانواده دارد می‌فرماید:

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ زنان لباس برای شما مردانند و شما لباسی برای زنان» (بقره، ۱۸۷).

این دو جمله از قبیل استعاره‌ای است، برای این که هریک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنیای فسق و فجور و اشاعه آن در بین افراد نوع بشر جلوگیری می‌کند. پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است و زن ساتر مرد است (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۶۴/۲-۶۳) در واقع آمیزش و رابطه زن و مرد محافظ زوجین است و به نظر صاحب تفسیر پرتوی از قرآن وقار و پرده‌ای که از آمیزش مشروع زن و مرد بر چهره ظاهری و درونی انگیزه‌های حیوانی و طغیان شهوت کشیده می‌شود، حافظ رسوایی، پرده‌برداری و سبک‌سری است (طالقانی، ۱۳۵۸: ۷۲/۲).

سفارش‌هایی اسلام به مسائل کوچک آمیزشی و ظرافت‌های این امر با توجه به حالت‌های روحی و روانی هریک از زوجین به طرف مقابل کرده است تا کمبود و نقصانی در این خصوص باقی نماند، که موجب انتقال آن به خارج از کادر ازدواج و خانواده شود و پایه‌های نهاد خانواده و به تبع آن جامعه دچار تزلزل و بی بند و باری گردد؛ چراکه عدم پاسخ‌گویی به این نیاز در روابط زن و شوهر و سرایت آن به محیط خارج و پیدایش سیستم روابط آزاد تا مرحله‌ای که ممکن است حتی مانع از تشکیل چنین نهاد مهم (خانواده) شود (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۹/ ۱۶۶).



## ۱. اقسام تمکین

تمکین به تمکین خاص و عام تقسیم می‌شود که به شرح زیر می‌باشد:

### ۱-۱. تمکین عام وادله آن

#### ۱-۱-۱. مفهوم و ماهیت تمکین عام

تمکین عام به معنی پذیرفتن ریاست شوهر در خانه و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اداره کردن امور مالی خانواده است و نیز خوشرفتاری و خوشرویی زن و رعایت نظافت و آرایش برای شوهر آن-گونه که مقتضای زمان و مکان و موقعیت خانوادگی آنهاست و بستگی به درجه تمدن و تحصیلات و سن و سایر خصوصیت‌های زن و شوهر و عرف و عادت دارد و از وظایف مخصوص زن است. پس اگر شوهر توقعات نامشروع یا نامتعارفی از زن داشته باشد، زن مکلف به اطاعت از او نیست (صفایی، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۴۶) نیز گفته شده تمکین عام عبارت است از اطاعت در سایر امور در حد قانون و به طور متعارف است؛ هر یک از زوجین نسبت به هم حقوقی دارند که اقامه آن واجب است، حق مرد بر زن آن است که زن از او اطاعت کند و سرکشی نکند و از خانه بدون اجازه او خارج نشود و در دادن صدقه، بخشش و نذر در اموالش بدون اجازه او عمل نکند، مگر در حج و زکات یا نیکی به والدین یا صلّه ارحام (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۵۸/۲۰).

از جمله مواردی که نیاز به اذن شوهر دارد؛ این است که زن بدون اذن شوهر از منزل خارج نشود و برای خروج از منزل از شوهر اجازه بگیرد. سؤال قابل طرح این است که حدود تمکین چیست و آیا تمکین صرفاً وظیفه شوهر است یا مرد هم ملزم به رعایت آن است. با تحقق نکاح، زن زوجه مرد و مرد شوهر زن محسوب شده، و کلیه احکامی که شرعاً بر رابطه زناشویی و علقه زوجیت مترتب می‌باشد ثابت و مستقر می‌گردد، حقوق و تکالیف متقابل بین زوجین برقرار می‌گردد که یکی از اینها حسن معاشرت است. حسن معاشرت یعنی اطاعت زن از شوهر و خوش رفتاری و خوش رویی زن نسبت به او و رعایت نظافت و آرایش خود برای شوهر آن‌گونه که مقتضای زمان و مکان و موقعیت خانوادگی آنان است و خارج نشدن از منزلی که شوهر معین نموده و یا طبق حق مکانی که به زن داده شده آن را انتخاب کرده است؛ بنابراین رفتن به منزل خویشاوندان، اگر پدر و یا مادر و یا اولاد او باشند، همچنین مراد به اشخاص دیگر احتیاج به اذن شوهر دارد. از حقوق زوج، عدم خروج زن از منزل بدون اذن شوهر ولو به خانه خویشاوندان و نزدیکان و حضور در تشییع جنازه و مراسم عزاداری است (سبزواری، ۱۴۱۶: ۲-۲۵۱).



از دیدگاه اسلام علاوه بر حقوق و وظایفی که همه مسلمانان نسبت به یکدیگر دارند، هریک از زن و شوهر نسبت به هم از حقوق متقابل ویژه‌ای برخوردارند و نسبت به هم تکالیفی دارند، از جمله این تکالیف، حسن معاشرت است که به صراحت کامل در قرآن آمده است. آنجا که می‌فرماید: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (نساء، ۱۹)؛ با زنان با اخلاق نیک معاشرت کنید». البته حسن معاشرت نسبت به افراد مختلف است، بین دوستان و افراد عمومی جامعه حسن تفاهم و حسن خلق کافی است ولی در زندگی زناشویی این مقدار کافی نخواهد بود، زیرا بقای روابط زناشویی ایجاب رعایت امور دیگری را نیز می‌کند که از آن جمله است؛ داشتن روابط جنسی آن‌گونه که موقعیت و محیط و وضعیت طبیعی زوجین ایجاب می‌کند و زن نمی‌تواند از آن شانه خالی کند (طاهری، ۱۴۱۸، ۵: ۱۹۵-۱۹۶).

### ۱-۱-۲. ادله‌ی تمکین عام و ضرورت اذن شوهر در خروج از منزل

پیامبر (ص) در رابطه با خوش رفتاری زنان در منزل می‌فرماید:

« جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعِ لِزَوْجِهَا » (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۴۷/۱۰۰) جهاد زن خوب شوهرداری است.

نظریه مشهور در فقه امامیه این است که زن برای خروج از منزل شوهر لازم است رضایت او را بدست آورد و شوهر می‌تواند زن را از بیرون رفتن از خانه منع کند؛ حتی اگر خروج وی با حقوق شوهر منافاتی نداشته باشد. این گروه از فقها خروج زن از منزل را بدون اذن شوهر از مصادیق نشوز می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۱/۳۱۴).

اما برخی از فقها در این مسئله قائل به تفصیل اند؛ نظیر آیت الله خویی که می‌گوید:

«زن حق ندارد بدون اذن شوهر از خانه خارج شود، در صورتی که بیرون رفتن او با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد» (خوئی، ۱۴۱۰: ۲/۲۸۹).

در هر حال دلیل مسئله، روایاتی است که در متون حدیثی آمده و فقها بدان استناد کرده‌اند. محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمودند:

« جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَيَّ الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ وَ لَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَ إِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبٍ وَ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ إِنْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَ مَلَائِكَةُ الْعُضْبِ وَ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا » (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۷) یعنی زنی نزد پیامبر آمد و پرسید: ای رسول خدا حق شوهر بر زنش چیست؟ پیامبر فرمودند: اینکه از شوهر اطاعت کند، نافرمانی او را ننماید، بدون اجازه از



خانه او صدقه ندهد، روزه مستحبی نگیرد مگر به اذن او، خود را از او دریغ ندارد؛ اگرچه بر پشت شتر باشد، از خانه‌اش بدون اذن او خارج نگردد و اگر بدون اجازه او خارج گردد فرشتگان آسمان و زمین و ملائک غضب و رحمت او را لعن و نفرین می‌کنند تا زمانی که به خانه‌اش برگردد.

در این روایت لعن و نفرینی که رسول خدا(ص) برای خروج بدون اذن زن بیان نموده‌اند می‌تواند دلیلی بر حرمت خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر باشد صاحب کتاب مسالک الافهام و حدائق الناضره(جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۸ / ۳۰۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۳ / ۱۱۹) به این روایت استناد کرده‌اند مبنی بر اینکه از حقوق مردان این است که زن مطیع شوهر باشد و حق وی را با میل و رغبت ادا کند و بدون اذن شوهر از منزل خارج نشود.

در فقه اهل سنت بر طبق دیدگاه حنفیه از جمله حقوق زوج بر زوجه این است که زوجه در مسکنی که برای او مهیا شده، ساکن شود. مشروط بر این که مقدار مهریه نقد او پرداخت شده و مسکن نیز از نظر شرعی مناسب با حال زوجه باشد. مقتضای رابطه زوجیت این است که زوجه در منزل مانده و بدون اذن زوج خارج نشود. گاهی خروج زوجه موجب فتنه و اختلال در نظام خانواده می‌گردد؛ بنابراین زن نباید از منزل خارج شود، مگر با اذن زوج یا این که ضرورت اقتضا نماید. از جمله مواردی که زن حق دارد بدون اذن شوهر از منزل خارج شود خروج برای دیدار پدر و مادر هر هفته یک بار و سایر محارم هر سال یک بار است. البته بهتر است نحوه دیدار و تعداد آن‌ها به عرف و آگذار شده و حال زوجه و اقارب او مراعات گردد؛ همچنین در صورتی که یکی از ابویین مریض باشد و به پرستار نیاز داشته باشد و غیر از زوجه شخص دیگری برای این کار نباشد، زوجه می‌تواند بدون اذن زوج خارج شده و به پرستاری از والدین بپردازد(ابوالعینین، بی تا: ۱ / ۲۷۳). کاسانی گفته: (امری که به تأدیب زوجه هنگام عدم اطاعت از زوج وجود دارد، به خاطر ترک طاعت زوجه است، پس دلالت بر لزوم اطاعت از شوهر می‌کند)(کاسانی، ۱۹۸۲: ۲ / ۳۳۴). فقهای شافعیه معتقدند: اگر زوج قصد سفر کرد و از زوجه خواست که همراهش شود، باید درخواستش را اجابت کند(نووی، ۱۴۳۱: ۱۸ / ۹۰؛ شیرازی، ۱۴۲۲: ۴ / ۲۳۰) زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود. مرد می‌تواند مانع خروج زن از منزل حتی به مسجد و غیر آن شود(همان: ۴ / ۲۳۲) به خاطر روایت عمر که از او نقل شده که گفته است:

«رَأَيْتُ امْرَأَةً أَتَتْ إِلَى النَّبِيِّ (ص) وَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَيَّ زَوْجَتَهُ؟ قَالَ: حَقُّهُ عَلَيْهَا أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنْ فَعَلَتْ لَعَنَهَا اللَّهُ وَمَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْغَضَبِ حَتَّى تَتَوْبَ أَوْ تَرْجِعَ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ لَهَا ظَالِمًا؟ قَالَ: وَإِنْ كَانَ لَهَا ظَالِمًا وَلَأَنْ حَقَّ الزَّوْجِ وَاجِبٌ فَلَا يَجُوزُ تَرْكُهُ بِمَا لَيْسَ بِوَاجِبٍ» (بيهقي، ۱۴۱۴: ۷ / ۲۹۲)؛ زنی را دیدم که نزد پیامبر آمد و از وی در مورد حق مرد بر زن سؤال کرد، پیامبر



فرمودند: حق مرد بر زن این است که از خانه جز به اذن مرد خارج نشود؛ اگر چنین کند و بدون اذن مرد از خانه خارج شود، خداوند و ملائکه غضب و رحمت او را لعن کرده تا وقتی که توبه کند یا به خانه بازگردد. زن گفت یا رسول الله حتی اگر زن برای حوائجش از منزل خارج شود ظالم است؟ پیامبر فرمود: بله حتی اگر برای حوائج شخصی خود خارج شود ظالم است؛ به خاطر اینکه حق مرد واجب است پس چیزی که واجب است جایز نیست به واسطه چیزی که واجب نیست، ترک شود.

شیرازی در المذهب به این روایت استناد کرده است، مبنی بر اینکه زن در خروج از منزل باید تابع شوهرش باشد و بدون اذن وی خارج نشود (شیرازی، ۱۴۲۲: ۲۳۲/۴).

البته مکروه است که مرد مانع خروج زن از منزل برای عیادت از پدر و مادرش هنگام بیماری و حتی حضور در تشییع جنازه اقوامش شود؛ چون منع مرد باعث ایجاد نفرت در زن می‌شود و او را دچار عاق والدین می‌کند. آنچه در باب معاشرت بالمعروف زنان به طور برجسته‌ای به چشم می‌خورد این است که زنان باید بدون هیچ گونه کراهت و یا آزار و اذیتی حق مرد را اداء کنند و آنچه از حقوق مردان بر عهده زنان واجب شده است، بدون درنگ انجام دهند (نوی، ۱۴۳۱: ۱۸/۱۰۳).

حنابله نیز یکی از جنبه‌های حقوق مردان را بحث خروج زن از منزل می‌دانند با این عنوان که حرام است زن بدون اذن شوهرش از منزل خارج شود و مرد می‌تواند او را منع کند؛ حتی اگر بخواهد به دیدار خانواده یا عیادت پدر و مادر و یا حضور در تشییع جنازه و مراسم دفن یکی از آنها برود؛ زیرا حق زوج واجب است و جایز نیست که واجب به واسطه غیر واجب فوت شود (بهوتی، ۱۴۰۲: ۵/۱۹۷)؛ ولی مستحب است که مرد اجازه دهد که زن به دیدار خانواده و عیادت پدر و مادرش برود؛ زیرا منع مرد باعث می‌شود که در زن نفرت ایجاد شود و بین زوجین مخالفت پیش بیاید؛ همچنین خداوند امر به معاشرت بالمعروف بین زوجین کرده است و منع زن از دیدار پدر و مادر دور از معاشرت بالمعروف است (ابن قدامه، ۱۴۱۴: ۸/۱۳۰). معاشرت بالمعروف بین زوجین ایجاب می‌کند که هر یک از زوجین در ادای حق طرف مقابل کمال نرمش و خوشرویی را رعایت کنند و از هرگونه کراهت و تأخیری بپرهیزند. این مطلب هم در مورد زن صادق است و هم در مورد مرد.

اگر مرد بخواهد به سفر برود و از زن بخواهد با وی همراه شود باید اطاعت کند؛ مگر اینکه سفر برای زن ضرر داشته باشد، همه اینها در صورتی است که زن توانایی جنسی داشته باشد ولی اگر زن توانایی جنسی نداشته باشد و یا مریض باشد ملزم به اطاعت در مقابل خواسته شوهر نیست و می‌تواند امتناع کند (ابن قدامه، ۱۴۱۴: ۸/۱۲۸).



ابوبکرین ابی شیبۀ از پیامبر نقل می‌کند که فرمودند:

«لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْحَقِّ» (قزوینی، بی تا: ۱/ ۵۹۵)؛ اگر من امر کننده بودم که کسی به دیگری، سجده کند. هر آینه امر می‌کردم که زن به شوهر خود سجده کند؛ به خاطر حقی که خداوند برای مردان بر عهده زنان قرار داده است.

## ۱-۲. تمکین خاص و ادله آن

### ۱-۲-۱. مفهوم و ماهیت تمکین خاص

تمکین خاص عبارت است از: تمکین در مضاجعت و تمکین کامل رفع موانع میان زن و شوهر است؛ به گونه‌ای که معلوم باشد زن از شوهر در رابطه زناشویی اطاعت می‌کند. در واقع همان آمادگی زن در برابر کامجویی‌های مشروع شوهر است (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۱/۳۱۰-۳۰۹) از نظر حقوقدانان تمکین خاص، به معنی نزدیکی باشوهر است که زن باید آماده برای آن باشد مگر آنکه بیمار باشد یا مانع شرعی داشته باشد که نزدیکی موجب زیان او گردد (امامی، ۱۳۶۸: ۴/۴۸۸؛ غلاسون، ۱۳۹۲: ۱۳۴). تمکین خاص به معنای زناشویی و استمتاع جنسی است و به بیانی دیگر، نزدیکی و مقاربت که زن باید آماده برای آن باشد؛ مگر آنکه بیمار باشد یا مانع شرعی داشته باشد که نزدیکی موجب زیان می‌گردد. یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های تشکیل خانواده، آمیزش و تأمین نیاز جنسی است. زن و شوهر هر دو در تأمین و اشباع جنسی یکدیگر لازم است، فوق العاده هوشیار و دقیق باشند و این خواسته طبیعی را به صورت مطلوب و مشروع جوابگو باشند و از جهت کمی و کیفی طوری رفتار کنند که علاقه و عشق همدیگر را جذب کنند تا عنان قلبشان در اختیار یکدیگر قرارگیرد.

### ۱-۲-۲. ادله تمکین خاص و زناشویی

در زمینه زناشویی و تمکین جنسی زن از شوهر به آیه ۲۲۳ سوره مبارکه بقره استناد شده است که در آن چنین آمده است:

«يَسْأَلُكُمْ خَرْتُ لَكُمْ فَأْتُوا خَرَّتْكُمْ أَنِّي سِئْتُمْ» (بقره، ۲۲۳)؛ زنان شما کشتزار شما هستید پس از هر جا که خواستید به کشتزار خود درآید.

در تفسیر این آیه چند گونه استدلال شده است، اول اینکه لفظ «أني» بر جایز بودن مقاربت از لحاظ مکان دلالت دارد از این رو جایز بودن وطی از دبر از آن استفاده می‌شود (شریف علم الهدی، ۱۴۰۵: ۱/ ۲۳۳)؛



روحانی حسینی، ۱۴۱۲: ۲۱/ ۷۷) برخی نیز بر این باورند که «آنی» در زمان و مکان استعمال گردیده و در آیه مطلق آمده است؛ بنابراین به مردان اجازه هرگونه استمتاع جنسی را می‌دهد و مردان در هر زمانی و مکانی می‌توانند از همسر خود هر نوع استتماعی داشته باشند (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲/ ۶۰۷). در پاسخ کسانی که قائل هستند آیه مطلق است، استدلال‌هایی به شرح زیر شده است:

آیه درصدد بیان این است که زنان برای بقای نسل مانند کشتزار هستند و بقای نسل، تقیید زمانی یا مکانی بر نمی‌دارد، بنابراین آیه درصدد اثبات حق استمتاع برای مرد به صورت مطلق نیست (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۲/ ۳۱۸ و ۳۱۹). ظهور «آنی» در زمان است و نسبت به مکان یا مسائل دیگر، ظهوری ندارد که بتوان گفت این آیه اطلاق دارد.

لفظ «حرث» در آیه بر اختصاص جایز بودن مقاربت به وطی از قبیل دلالت دارد؛ زیرا فقط این مکان است که محل حرث محسوب می‌شود. امری هم که در اینجا هست، امر به وطی از قبیل است. از عبارت «فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» جواز مطلق وطی استفاده نمی‌شود. پس به قدر متیقن که وطی در قبل است اکتفا می‌شود (خوئی، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۳۱).

در روایات اطاعت کردن و نافرمانی نکردن از شوهر در امور زندگی و زناشویی بسیار سفارش شده است، روایات زیر بیانگر همین مطلب است:

الف) ابوبصیر از امام باقر (ع) و ایشان از پیامبر اکرم نقل می‌کند که می‌فرمایند:

«لَا تُطَوِّلَنَّ صَلَاتَكَ لِيَمْنَعَنَّ أَزْوَاجَكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۵۰۸)؛ نمازتان را طولانی نکنید تا مانع کامیابی شوهرانتان نشوید.

بحرانی در کتاب حدائق الناضره به این روایت در باب رعایت حقوق زوج و ترک هرگونه نافرمانی از زوجه استناد کرده است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۳/ ۱۲۱).

ب) ضریس گُناسی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که پیامبر خدا فرمودند:

«الْمَرْأَةُ يَدْعُوهَا زَوْجُهَا لِبَعْضِ الْحَاجَةِ فَلَا تَزَالُ تُسَوِّفُهُ حَتَّى يَنْعَسَ زَوْجُهَا فَيَنَامَ فَيَلْكَ لَا تَزَالُ الْمَلَائِكَةُ تَلْعَنُهَا حَتَّى يَسْتَيْقِظَ زَوْجُهَا» (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۷۶/ ۸)؛ هر زنی که همسرش او را برای برخی از نیازهایش فراخواند و او خواسته شوهرش را اجابت نکند تا او را در خواب آلوده نماید و بخواباند، ملائکه تا بیدار شدن آن شوهر، چنین همسری را لعن و نفرین می‌کنند.

ج) پیامبر خدا (ص) می‌فرمایند:





«لَا تُؤَدِّي الْمَرْأَةُ حَقَّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتَّى تُؤَدِّيَ حَقَّ زَوْجِهَا» (طبرسی، ۱۴۲۸: ۳۳۱)؛ زن تا حق شوهرش را ادا نکند، حق خداوند را ادا نکرده است.

د) پیامبر خدا (ص) از جمله وظایف اخلاقی همسر را این چنین تعریف می‌کند:

«حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ: أَنْارَةُ السَّرَّاجِ وَإِصْلَاحُ الطَّعَامِ وَأَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرَحَّبَ بِهِ، وَأَنْ تُقَدِّمَ إِلَيْهِ الطَّسْتِ وَالْمِنْدِيلَ، وَأَنْ تُوضِّأَهُ وَأَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ» (همان: ۳۳۰)؛ حق مرد بر زن این است که: چراغ خانه را روشن کند، غذای مطبوع و مناسب تهیه نماید. هنگام آمدن شوهر به خانه در کنار در منزل از وی استقبال کند و به او خوش آمد بگوید و سپس آفتابه و لگن و حوله حاضر کند و آب روی دستش بریزد و و بدون عذر؛ خود را از شوهر دریغ مدارد.

ه) از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند:

«إِذَا عَرَفَتِ الْمَرْأَةُ رَبَّهَا وَآمَنَتْ بِهِ وَبِرَسُولِهِ وَعَرَفَتْ فَضْلَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهَا وَصَلَّتْ خَمْسًا وَصَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَأُحْصِنَتْ فَرْجَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا دَخَلَتْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۲۳۷)؛ اگر زنی خدایش را بشناسد و به خدا و رسول ایمان بیاورد و فضیلت اهل بیت را درک کند و نماز پنج‌گانه بگذارد و روزه بگیرد و فرجش را برای شوهرش حفظ کند و در همه حال از شوهرش اطاعت کند، خداوند او را در هر بابی از بهشت که بخواهد وارد خواهد کرد.

و) ابوهریره از پیامبر نقل می‌کند که فرمودند:

«إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَلَمْ تَأْتِهِ فَبَاتَ غَضْبَانَ عَلَيْهَا لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ» (بخاری، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۹۹۳)؛ اگر یکی از شما همسر خود را به بستر بخواند و زن امتناع کند و بخوابد در حالیکه مرد بر او غضبناک است، فرشتگان الهی تا صبح آن زن را لعن می‌کنند.

ز) طلق بن علی از پیامبر روایت می‌کند که فرمودند:

«إِذَا الرَّجُلُ دَعَا زَوْجَتَهُ لِحَاجَّتِهِ فَلْتَأْتِهِ وَإِنْ كَانَتْ عَلَى النَّوْرِ» (ترمذی، بی تا: ۳ / ۴۶۵)؛ اگر مردی، زنش را برای حاجتی نزد خود فراخواند زن باید اجابت کند؛ حتی اگر کنار تنور باشد.

ح) ابی هریره از پیامبر نقل می‌کند که فرمودند:

«إِذَا بَاتَتِ الْمَرْأَةُ هَاجِرَةً فِرَاشَ زَوْجِهَا لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ» (قشیری، بی تا: ۲ / ۱۰۶۰)؛ اگر زن شب بخوابد در حالیکه از همبستری و فراش مرد امتناع می‌کند، ملائکه، زن را لعنت می‌کنند تا وقتی که صبح شود.



## ۲. حدود تمکین زوجه

زوجه به طور مطلق ملزم به تمکین نیست؛ بلکه حالات و شرایط زن هم در نظر گرفته می‌شود و ملاک در این زمینه عرف است. با این عنوان که مفهوم تمکین وابسته به رسوم اجتماعی و اخلاق عمومی است. تمکین در عرف دو معنای عام و خاص دارد. تمکین عام به معنای پذیرفتن ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اداره مالی و اخلاقی خانواده است؛ ولی تمکین خاص ناظر به رابطه جنسی زن با شوهر و پاسخ دادن به خواسته‌های مشروع اوست. در تمکین عام، معیار تمیز اموری که شوهر می‌تواند از زن انتظار داشته باشد، عرف است. داوری باید نوعی باشد و شوهر سخت گیر و باریک بین حق ندارد انتظاری بیش از اندازه متعارف از زن داشته باشد ولی در این راه باید درجه تمدن، تحصیلات، سن و سایر خصوصیات زن و شوهر را نیز در نظر گرفت (جهانگیری، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

به بیان دیگر ضابطه تمکین، رفتار انسانی متعارف است که در آن شرایط خاص زندگی می‌کند و از این لحاظ هر دو جنبه نوعی و شخصی دارد. برای مثال مفهوم تمکین برای روستایی بی‌آلایشی که با شوهر خود در مزرعه کار می‌کند با زنی که عهده‌دار مسئولیت مهم اداری است و شوهر نیز به سیاست و طبابت اشتغال دارد، یکسان نیست. معنای همبستگی، خوش رویی، احترام متقابل و اطاعت در این رابطه تفاوت دارد. رعایت این تفاوت تبعیض در قانون نیست؛ لازمه احترام به عرف است که در این گونه امور از منابع حقوق به شمار می‌رود.

در مورد تمکین خاص نیز عرف و اخلاق داوری نهایی را به عهده دارد. لزوم تمکین به این معنا نیست که احساس زن به حساب نیاید. دادرسی درباره روابط عاطفی و انسانی دقیق‌تر از آن است که در قاعده و اصل بگنجد، زن در رابطه زناشویی ماشین بهره‌بردار نیست. انسان است و باید با او چنان رفتار شود که شخصیت انسان اقتضا دارد. بنابراین داوری نیز معیار تمیز تمکین به معنایی که حقوق و اخلاق مقرر داشته است، جنبه نوعی و شخصی را با هم دارد. دادگاه باید به همه عوامل انسانی و عرفی توجه کند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۲۸-۲۲۷).

هرگاه زوج بخواهد زوجه باید تمکین کند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۳/ ۶). اطاعت از شوهر و تمکین نسبت به او بر زن فرض و لازم است و عدم اطاعت از وی موجب سلب نفقه می‌شود؛ ولی چنانچه به علت امراض مقاربتی و یا علل دیگری موجب ورود خسارت به زوجه شود، قاعده لاضرر عموم و جوب اطاعت را تخصیص زده و جوب اطاعت را برمی‌دارد؛ بدون آنکه عدم تمکین زن در این گونه موارد، حق نفقه را سلب نماید (محقق داماد، بی تا: ۳۵۹). بر زوجه لازم است از اطاعت زوج در آنچه متعلق به امر استمتاع است



از تمکین تام به نحوی که در هر وقت که زوج بخواهد از او استمتاع یابد به جماع کردن و سایر آنچه که موجب التذاذ می‌شود؛ مگر در وقتی که مانع شرعی باشد؛ همچنین واجب است بر زوجه اطاعت از زوج در بیرون رفتن از منزل زوج بدون اذن او و هم چنین در اموری که مقدمات استمتاع است؛ مثل پاکیزه ساختن از آنچه موجب تنفر طبع می‌شود از تمتع بردن چون رفع بوی ناخوش اگر زوج از آن متنفر باشد و پاکیزه ساختن به قدری که متعارف است (نراقی، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۱۹).

در صورتی که انجام مستحبات با حقوق واجبه شوهر منافات داشته باشد، اطاعت از شوهر مقدم است؛ همچنین در تعارض بین حقوق شوهر و پدر و مادر، حقوق واجبه همسر مقدم است. اطاعت زن از شوهر مربوط به مسائل زناشویی و بیرون رفتن از منزل است، در غیر از این کارها اطاعت واجب نیست؛ هر چند بهتر است زن و مرد در تمام مسائل باهم تفاهم داشته باشند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۷۵). آنچه از عبارات فقهای شافعیه در باب حدود تمکین روشن می‌شود این است که زوجه باید هر صبح و شام خود را به شوهر عرضه کرده و تسلیم خواسته‌های وی شود. این در صورتی است که زوجه از سلامت جسمی برخوردار باشد؛ ولی اگر زوجه مریض باشد و یا از لحاظ وضعیت جسمی طوری باشد که استمتاع از وی موجب تلف شدن وی شود. بر مرد جایز نیست که از زن طلب استمتاع کند و در صورت طلب نیز بر زن واجب نیست که اجابت کند؛ همچنین است اگر زن صغیره باشد و استمتاع از وی ممکن نباشد؛ اما اگر زوجه صغیره باشد؛ ولی توانایی وطی را داشته باشد در حکم کبیره است و در صورت درخواست مرد، باید خود را تسلیم کند (نوی، ۱۴۳۱: ۱۸/ ۹۱-۹۰).

برای مرد جایز نیست که از دبر زن با وی نزدیکی کند. از جمل ادله آن:

آیه «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ اَنْتُمْ» (بقره، ۲۲۳)؛ زنان شما کشتزار شما هستند. پس از هر جا و (هر گونه) که خواهید به کشتزار خویش درآید. در استناد به این آیه آمده است که موضع زرع و حرث، همان قبل است و وطی مباح، وطی در قبل است که محل فرزند آوری می‌باشد. اما دبر محل فرزند آوری نیست و وطی در آن مباح نیست (نوی، ۱۴۳۱: ۱۸/ ۱۰۰). البته بعضی از فقها قائل به کراهت شده‌اند.

ابوهریره از پیامبر نقل می‌کند که فرمودند:

«مَلْعُونٌ مَنْ اَتَى امْرَأَتَهُ فِي دُبْرِهَا» (سجستانی، بی تا: ۲/ ۲۴۹)؛ کسی که از دبر زن با وی نزدیکی کند،

مورد لعن است.

در صورتی که خروج زن از منزل، موجب فوت حق استمتاع وی شود، مرد می‌تواند مانع خروج زن از منزل شود؛ حتی اگر بخواهد به دیدار والدین و یا تشییع جنازه آنها برود؛ همچنین اگر کمال استمتاع از



زوجه متوقف بر آرایش و زینت کردن و نظافت زوجه باشد، زوج می‌تواند زوجه را بر این امر اجبار کند (شیرازی، ۱۴۲۲: ۴/ ۲۳۱-۲۳۲).

بر اساس دیدگاه فقهای حنبلی شکی نیست که در بحث تمکین زن در مقابل مرد حد و محدودی است و این گونه نیست که زن به طور مطلق باید تسلیم وی شود؛ بلکه برای آن محدوده‌ای مشخص شده است. در واقع از دیدگاه فقهای حنبلی مرد می‌تواند از زن استمتاع کند به شرطی که او را از انجام واجبات باز ندارد و موجب ضرر و زیان زن نشود (ابن قدامه، ۱۴۱۳: ۸/ ۱۲۶).

یکی از شرایط تمکین این است که زن دارای توانایی جنسی و جسمی باشد و در اصطلاح استمتاع از وی ممکن باشد؛ بنابراین اگر زن صغیره باشد و توانایی مجامعت را نداشته باشد، می‌تواند ممانعت کند و جایز نیست که خانواده او را تسلیم مرد کنند؛ زیرا ممکن است در صورت مجامعت موجب زیان و صدمه زدن زن شود که یکی از موارد زیان، افضا شدن وی است؛ همچنین است اگر زوجه دارای بیماری شدیدی باشد که احتمال از بین رفتنش برود، در اینجا واجب نیست که زن خود را تسلیم مرد کند. عرف و عادت هم نمی‌پسندد که زن در این حالت در برابر مرد تمکین کند. اگر زوجه از لحاظ جسمی در وضعیتی باشد که در اثر جماع، احتمال این باشد که افضا شود، حق دارد، در مقابل مرد تسلیم نشود ولی استمتاع غیر فرج از وی صحیح است (همان: ۱۲۸). بهوتی در کتاب *کشاف القناع و روض المربع* به این آیه استناد کرده است، مبنی بر اینکه جواز آمیزش در حالت پاکی زنان است و نهی به حالت ناپاکی آن‌ها تعلق گرفته است. ابن قدامه در این مسئله ادعای اجماع کرده است (بهوتی، ۱۴۰۲: ۵/ ۱۸۸؛ همو، ۱۳۹۰: ۳/ ۱۲۷).

از پیامبر (ص) نقل شده که فرمودند:

«لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى رَجُلٍ جَامَعَ امْرَأَتَهُ فِي دُبُرِهَا» (قزوینی، بی تا: ۱/ ۶۱۹)؛ خداوند به مردی که با زنش از

دبر وی مقاربت می‌کند، نگاه نمی‌کند. ابن قدامه به این روایت در باب نهی از وطی در دبر استناد کرده است.

### ۳. نظریات حق امتناع زوجه از تمکین در ارتباط با مهریه و اعسار زوج

#### ۳-۱. حق امتناع زوجه از تمکین خاص و زناشویی مطلقاً

مشهور فقهای امامیه معتقدند حق امتناع زن از تمکین در مقابل شوهر مطلق است و بستگی به اعسار شوهر ندارد و زن در صورت اعسار زوج نیز می‌تواند تمکین نکند (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲/ ۵۹۶) در جواهر الکلام آمده:



حق امتناع از تمکین مال زن است خواه مرد معسر باشد خواه موسر. بدیهی است که معسر بودن اگر چه حق مطالبه از او ساقط می‌کند بر اساس ادله‌ی شرعی اما حق زن که از راه معاوضه بودن بدست آورده از بین نمی‌رود و می‌تواند تمکین نکند (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۲/۳۱).

صاحب کشف اللثام معتقد است که زن می‌تواند تمکین نکند تا مهر را بگیرد چه شوهر معسر و چه موسر باشد (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۰۹/۷). برخی از فقهای معاصر نیز معتقدند که حق امتناع زن از تمکین ساقط نمی‌شود تا پرداخت کامل مهر هرچند زوج معسر باشد؛ امام خمینی می‌فرماید:

زن می‌تواند از تمکین و تسلیم خودش نسبت به مرد جلوگیری کند تا اینکه تمام مهر را دریافت کند، فرقی نمی‌کند که شوهر معسر باشد یا موسر (موسوی خمینی، ۱۴۰۱: ۲/ ۲۹۹) سیستانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی معتقدند که حق امتناع زن از تمکین تا پایان کامل مهر برقرار است (گنجینه‌ی استفتائات قضایی: ۱۳۸۵).

از مفاد ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی استفاده می‌شود که حق امتناع زوجه از تمکین خاص تا پرداخت کامل مهر برقرار است، همچنین کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی در این زمینه اظهار داشته است (تا وصول مهر، حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه را با توجه به ماده‌ی ۱۰۸۵ ق.م. دارد) اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه نیز در نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۱۰۲۰ مورخ ۸۱/۲/۳۱ آورده است (در مواردی که دادگاه یا اجرای ثبت درخواست شوهر و به دلیل اعسار، مهلت عاده می‌دهد یا قرار اقساط می‌گذارد، نباید مهر را مؤجل پنداشت؛ زیرا اجلی که بدین گونه بر زن تحمیل می‌شود، حاکی از اراده‌ی وی بر سقوط حق حبس نیست؛ بنابراین حق حبس زن (امتناع از تمکین خاص) محفوظ است) (ایرانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲/۱).

### ۲-۳. حق امتناع زوجه از تمکین خاص و زناشویی بطور مشروط

گروهی از فقها در مقابل نظریه‌ی مشهور، حق امتناع از تمکین خاص در نکاح پذیرفتند. بنابر نظر بعضی از مفتیان اهل سنت در صورت اعسار، زوجه می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند؛ چون شوهر از یک طرف معسر است و در همان زمان زن حق مطالبه مهر را ندارد. در شرایط خاصی برای زن در چنین وضعی حق فسخ وجود دارد (جزیری، ۱۴۱۹: ۷۹/۴).

بعضی از فقهای معاصر: بهجت، مکارم شیرازی، نوری همدانی و هاشمی شاهرودی بر این باورند که با صدور حکم اعسار زوج و تقسیط مهر، حق امتناع از تمکین با پرداخت اولین قسط ساقط می‌شود (گنجینه‌ی استفتائات قضایی: ۱۳۸۵).



آیت الله بهجت می‌گوید:

به طوری که در عسر و حرج نیفتد. با پرداخت قسط اول، تمکین بر زوجه واجب است (بهجت، ۱۴۲۸: ۲۵۱). مکارم شیرازی معتقد است زن می‌تواند قبل از دریافت مهر تمکین نکند، مشروط بر اینکه قبلاً از اعسار زوج خبر نداشته باشد و در فرض اعسار اگر از سوی حاکم شرع قسط‌بندی شود و شروع به پرداخت اقساط کند، زن باید تمکین کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۴۹). بعید نیست که هرگاه زوجه علم به فقر و عدم تمکن زوج داشته باشد و با این حال اقدام به ازدواج کند، به منزله‌ی اسقاط حق مطالبه است و در این صورت حق امتناع ندارد (اراکي، ۱۳۷۳: ۱۹۱). در عرف جامعه اصل بر عدم حال بودن مهر است، مصالح اجتماعی و تحکیم پیوندهای خانوادگی و پرهیز از طلاق و فساد نیز ایجاب می‌کند که با اثبات اعسار و تقسیط پرداخت مهر، زوجه به تکالیف خود در قبال زوج عمل کند (ایرانی، ۱۳۶۸: ۱/ ۴۲).

فقه‌های امامیه اتفاق نظر دارند بر اینکه مؤجل بودن مهر موجب سقوط حق امتناع زن از تمکین است؛ زیرا پذیرش مهر مدت‌دار و مؤجل از سوی زن قرینه‌ای بر اسقاط حق امتناع از سوی زوجه است؛ در شرائع الاسلام آمده:

اگر مهر مؤجل باشد زن نمی‌تواند امتناع از تمکین کند چنانکه فقه‌های امامیه به آن جزم نمودند (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۵۹۵/۲) شهید ثانی معتقد است مؤجل بودن مهر موجب سقوط حق امتناع زن از تمکین است (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۱۹۴/۸).

### ۳-۳. حق امتناع از تمکین خاص و زناشویی بعد از نزدیکی قبل از گرفتن مهر

در این زمینه سه نظریه وجود دارد؛ الف) زن حق امتناع از تمکین دارد. ب) زن بعد از تمکین حق امتناع ندارد. ج) تفصیل بین صورتی که زن اکراه بر تمکین شده و بین اینکه خود را اختیاراً تمکین کرده در صورت اول می‌تواند امتناع کند و در صورت دوم حق امتناع از تمکین ندارد.

بر اساس نظریه اول؛ زن حق امتناع بعد از تمکین دارد؛ زیرا یکی از عوضین که منفعت بضع است تدریجی الحصول است و امکان ندارد که یکباره تحقق پیدا کند و همه‌ی مهر در برابر کل منفعت بضع قرار گرفته است و با تسلیم شدن یک دفعه، قباض حاصل نمی‌شود؛ پس جایز است امتناع کند و نیز ادله‌ی عسر و حرج و ظلم شامل اینجا هم می‌شود، به بیانی دیگر چون یکی از عوضین که منفعت بضع است تدریجی الحصول است و امکان ندارد که یکباره تحصیل بشود و کل مهر در برابر کل منفعت بضع قرار گرفته



است و با تسلیم شدن یک دفعه، اقباض حاصل نمی‌شود؛ پس جایز است امتناع بکند (مفید، ۱۴۱۳: ۵۱۰؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۳۱۳).

نظریه‌ی دوم: زن حق امتناع از تمکین ندارد؛ فاضل لنکرانی در اشاره به عدم پذیرفتن نظریه‌ی اول می‌گوید:

نکاح عقد معاوضی یا شبه معاوضی است به اعتبار اینکه مهر در مقابل بضع قرارداد شده است نه اینکه مهر به دفعات تمکین خاص و دخول تقسیم شده و قرار داده شود (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹: ۴۳۴). این نظریه رای بیشتر فقها است از جمله (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۹۵/۸؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۳۱/۴۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۵۹۴/۲؛ امام خمینی، ۱۴۰۱: ۲۹۹/۲) در ماده‌ی ۱۰۸۶ آمده (اگر قبل از گرفتن مهر به اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود، دیگر نمی‌تواند از حکم ماده‌ی قبل (۱۰۸۵) استفاده کند؛ در عین حال حقی که برای مطالبه‌ی مهر دارد، ساقط نخواهد شد).

نظریه‌ی سوم: تفصیل بین صورتی که زن اکراه بر تمکین شده و بین این، خود را اختیار تمکین کرده در صورت اول می‌تواند امتناع کند و در صورت دوم حق امتناع از تمکین ندارد؛ محقق حلی این تفصیل از ابن حمزه نقل کرده (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۵۹۶/۲) به نظر اراکی در صورتی که زوجه به وطئ اجبار شود پس از رفع اکراه باز زوجه حق حبس و امتناع از تمکین دارد (اراکی، ۱۳۷۳: ۵۴۶).

هرگاه بعد از نکاح و قبل از دادن مهر، زوج از روی تهدید دخول کند زوجه می‌تواند از حق مذکور در ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی استفاده کند. هرگاه زن قبل از دریافت مهر خود، به اکراه و اجبار تمکین از شوهر نمود می‌تواند سپس از حق خود استفاده کند (امامی، ۱۳۶۸: ۴/۳۹۷).

#### ۴. ادله و اسباب حق امتناع زوجه از تمکین خاص و زناشویی

با وجود اینکه قانونگذار شرعاً و عرفاً تمکین را از شرایط استحقاق نفقه دانسته است، در مواردی بر حسب قاعده لاضرر و لاجرح و با رعایت مصلحت، اجازه عدم تمکین زن را صادر نموده (پورنگ نیا، ۱۳۸۲: ۱۷۰). وجود مانع مشروع و عذر موجه: از نظر فقهی مانع مشروع به عذرهایی اطلاق می‌شود که زن با وجود آن‌ها از ایفای وظایف شرعاً معذور است، فقها در برخی از مواضع مانند حالت عادت ماهانه و نفاس زوجه یا محرم بودن وی و نیز ایلاء وظهار آمیزش را منع کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۷: ۳۶۳). برخی دیگر از موانع شرعی مانند روزه بودن زن در ماه رمضان، زمانی که سنش کمتر از ۹ سال است و یا زمانی که ماندن در خانه شوهر برای زن موجبات خطر باشد. در این زمان‌ها شوهر حق بهره‌گیری از زن را ندارد و بر زن تمکین واجب



نیست (محقق داماد، ۱۳۷۶: ۲۹۷). به موارد و اسباب و ادله حق امتناع زوجه از زناشویی به شرح زیر است اشاره می‌شود: الف) بیماری شوهر؛ در صورتی که زوج به یکی از بیماریهای مسری و واگیر مثل کرونا، ایدز، هپاتیت، سوزاک، سفلیس، و یا تناسلی مبتلا باشد، زوجه می‌تواند از تمکین امتناع کند. ب) بیماری زوجه؛ در صورتی که زوجه بیمار باشد و رابطه جنسی سبب تشدید بیماری وی شود و یا چنین رابطه ای مستلزم ایراد ضرر و مشقتی شود که عادتاً قابل تحمل نیست، زوجه می‌تواند از نزدیکی خودداری کند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۵۸۰/۷). ج) عادت ماهانه و نفاس؛ د) مُحرم شدن (ه) انجام واجبات؛ و) شرط عدم نزدیکی: اگر زوجه شرط کند که نزدیکی صورت نگیرد بر اساس روایت زیرجایز است، عمار بن مروان از امام صادق (ع) چنین روایت کرده (قلت جاء رجل الی امرأة فسألها أن یزوجها نفسه، فقالت أتزوجک نفسی علی أن تلتمس منی ما شئت من نظر او التماس و تنال منی ما ینال الرجل من اهله إلا إنک لا تدخل فرجک فی فرجی و تتلدذ بما شئت فانی اخاف الفضيحة، قال (ع) لیس له منها الا ما اشترط) (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۲۵۹/۲۱) به امام صادق عرض کردم مردی پیش زنی رفته و از او خواست که خود را به ازدواج مرد در آورد؛ زن گفت من خودم را به حباله نکاح تو در می‌آورم به شرط این که هر چه خواستی از من اعم از نگاه کردن، لمس کردن و هر کاری که مرد با زنش انجام می‌دهد، انجام بدهی و جز این که آلت را در فرج من داخل نکنی و غیر از آن هر چه خواستی لذت ببر؛ چرا که من از رسوائی می‌ترسم. امام (ع) فرمود: مرد باید به آنچه که با همسر خود شرط کرده است، پایبند باشد. وفا به شرط واجب است از جمله روایتی که در این زمینه وارد شده روایت ذیل از پیامبر (ص) است (من شرط لامرأة شرط فلیف لها به فان المسلمین عند شروطهم الا شرطاً حرم حلالاً او أحلاً حراماً) (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۲۵۳/۱۲) یعنی هر کسی با همسر خود شرطی کند، باید به شرط وفادار باشد، مگر آنکه شرط مذکور، حلالی را حرام کند یا حرامی را حلال کند. با توجه به کلمه (الفضیحة) که به معنای رسوائی است در روایت آماده، روایت ظهور در ازدواج موقت مخفیانه دارد و گرنه خوف از رسوائی معنا ندارد.

## ۵. موارد سقوط نفقه و عدم وجوب آن

موارد سقوط نفقه زوجه به شرح زیر می‌باشد:

یک) زوجه از انتقال به منزل زوج بدون دلیل شرعی خودداری کند در حالی که زوج برای او منزل مناسب آماده نموده و او را به انتقال منزل مذکور فراخواند؛ اما اگر خودداری به دلیل مشروع باشد؛ مانند این که شوهر مهریه نقد او را نپرداخته است، در این صورت نفقه بر عهده زوج و ساقط نمی‌شود.





دو) زوجه بعد از این که به منزل شوهر رفت بدون دلیل شرعی و اذن شوهر از منزل خارج شود، خواه برای مدت کوتاه یا طولانی؛ اما اگر خروج از منزل به دلیل شرعی باشد؛ مثل این که مسکن مناسب نیست یا افراد دیگری هم در منزل زندگی می‌کنند، زوجه ناشزه نبوده و حق نفقه دارد. اگر زوج با اذن زوجه در منزل زوجه زندگی کند؛ ولی زوجه از ورود او ممانعت کند و در خواست انتقال به مسکن دیگری نیز نداشته باشد و فرصتی برای جستجو به او ندهد، نفقه‌اش ساقط می‌شود؛ چون منع از ورود شوهر بدون درخواست مسکن دیگر و دادن فرصت کافی خروج از اطاعت شوهر محسوب می‌شود. اما اگر زوجه از شوهر درخواست نموده که او را به منزل دیگر (منزل شوهر) یا منزلی که برای او اجاره می‌کند، انتقال دهد و مدت کافی برای انتقال به منزل شوهر یا برای جستجوی منزل استیجاری بگذرد و شوهر او را منتقل نسازد، در این صورت اگر زوجه از ورود شوهر ممانعت کند ناشزه نبوده و نفقه ساقط نمی‌شود (ابو العینین، بی تا، ۱/ ۲۴۰).

سه) در صورتی که زوجه قبل از زفاف در مقابل دین یا جریمه‌ای هرچند به ظلم حبس شده است و عاجز از پرداخت دین می‌باشد، مستحق نفقه نیست؛ زیرا حق احتباس زوج فوت شده است و این مسئله ارتباطی به شوهر ندارد، اما اگر نسبت به حقی که شوهر بر او دارد حبس شود، زن نفقه دارد. (د) زوجه به تنهایی مسافرت کند.

چهار) زن صاحب حرفه‌ای مانند تدریس، پرستاری، بافندگی یا وکالت بوده و در خارج از منزل به حرفه خود اشتغال داشته باشد به طوری که تمام یا بخشی از روز در خارج منزل باشد، در صورتی که زوج به اشتغال او راضی نبوده و عدم خروج یا اشتغال زن را مطالبه کند، زن حق ندارد؛ چون بدین وسیله احتباس فوت شده و از اطاعت شوهر خارج شده است. اشتغال زن به کار بعد از منع شوهر نشوز بوده و موجب سقوط نفقه است (ابو العینین، بی تا: ۱/ ۲۴۱).

پنج) اگر زوج از ابتدا با اشتغال زوجه موافق بوده، ولی بعد از آن از زوجه عدم اشتغال به کار را مطالبه کرده و زوجه امتثال نکرده باشد، نفقه‌اش ساقط می‌شود. اگر زوج با اشتغال زوجه موافق باشد و او را از اشتغال به کار منع نکند، زن مستحق نفقه است. شوهر نمی‌تواند زن را از اشتغال در منزل به کاری که با حقوق زوجیت منافات ندارد منع کند؛ مگر این که او را ضعیف نموده و یا از جمال او بکاهد؛ ولی در صورت مخالفت با منع شوهر ناشزه نبوده و نفقه‌اش ساقط نمی‌شود؛ زیرا خود را تسلیم نموده و البته شوهر حق تأدیب دارد (همان).



شش) نشوز زوجه: از امام صادق (ع) روایت شده: ایما امرأه خرجت من بیتها بغیر اذن زوجها فلا نفقه لها حتی ترجع (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۳۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۱/ ۵۱۷) هر زنی که بدون اجازه شوهرش از منزل خارج شود مستحق نفقه نیست تا اینکه برگردد.

هفت) زوجه صغیره باشد؛ اگر تمکین را شرط بدانیم، نفقه زوجه صغیره واجب نخواهد بود؛ زیرا زوجه صغیره توانائی تمکین ندارد (طوسی، ۱۳۸۷: ۶: ۱۳). تمکین جزء سس است و در زوجه صغیره منتفی است پس نفقه وی واجب نیست. علاوه بر این شمول ادله وجوب نفقه بر این زوجه مشکوک است و اصله البرائه جاری می‌شود (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۱/ ۳۰۹).

هشت) زوجه‌ای که به سفر برود: اگر زوجه همراه شوهر یا با اجازه وی به سفر برود دلیلی بر سقوط نفقه نداریم. اگر بدون اجازه شوهر به سفر واجبی برود در این مورد نیز نفقه ساقط نمی‌شود. اگر بدون اجازه شوهر به سفر غیر واجبی برود و یا حتی از منزل خارج شود نفقه وی ساقط است، زیرا موجب تحقق نشوز گردیده است (موسوی خمینی، ۱۴۰۱: ۲/ ۳۱۴).

نه) زوجه مرتد: اگر زوجه اهل ذمه باشد، نفقه او واجب است؛ زیرا مسلمان بودن زوجه شرط وجوب نفقه نیست. ولی اگر بعداً مرتد شد، نفقه وی ساقط می‌شود و اگر توبه کرد دو باره نفقه‌اش واجب می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۰۱: ۲/ ۳۱۲). اگر زوجه مرتد شود نفقه ساقط می‌شود و نکاح متوقف می‌شود بر انقضای عده، پس اگر در زمان عده برگردد نفقه واجب می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷: ۵/ ۱۱۶).

ده) زوجه کبیره و زوج صغیر: در این صورت زوجه مستحق نفقه نخواهد بود؛ زیرا زوج توانائی استمتاع از وی را ندارد. هرچند تمکین از طرف زوجه حاصل است. ولی این تمکین اثر ندارد؛ زیرا شرط تمکین، امکان است و چون امکان نیست پس تمکین هم محقق نشده است (فخر المحققین، ۱۳۸۷: ۳/ ۲۶۸). بعضی گفته‌اند در این صورت نفقه واجب است؛ زیرا شرط ثبوت نفقه از طرف زوجه حاصل است و نشوز محقق نشده، بلکه عذر از طرف زوج است. وجود این عذر و مانع در زوج، سبب از دست دادن حق نفقه زوجه نمی‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲/ ۲۹۲).

یازده) عسر زوج (در بحث نظریات حق امتناع به طور مفصل بیان شد).

دوازده) اگر زن به طور پنهانی به مکانی مجهول فرار کرده باشد، نفقه‌اش ساقط می‌شود ولو اینکه زوج توانائی باز گرداندن زن را داشته باشد و علم به مکانی که فرار کرده داشته باشد.

سیزده) زن ظالم باشد و به خاطر ظلم بر مرد فرار کرده باشد، ولی اگر توسط مرد مورد ظلم واقع شده باشد و به این خاطر فرار کرده باشد، زن دارای نفقه است و نفقه‌اش ساقط نمی‌شود.



چهارده) نکاح فاسد؛ اگر نکاح فاسد باشد، نفقه‌ای به عهده زوج نیست زیرا بین زوجین نکاح صحیح نیست. پس اگر زن را طلاق دهد یا قبل از وطی جدا شوند زن دارای عده نیست، ولی اگر بعد از وطی جدا شوند، زن عده نگه می‌دارد ولی نفقه‌ای ندارد (ابن قدامه، ۱۴۱۳: ۹/۲۴۶-۲۴۸).

پانزده) عدم تمکین (به بحث‌های پیشین رجوع شود).

شانزده) نشوز زوجه؛ فقهای حنفیه بحثی با عنوان ولایت در باره رابطه زوجیت و زندگی خانوادگی مطرح کرده‌اند؛ به اینکه اسلام در این خصوص برخورد کریمانه دارد؛ ولی در مواردی که احتمال انحراف و از بین رفتن مصالح خانواده است، تدابیری را در نظر گرفته است، تا کیان خانواده حفظ شود. خداوند می‌فرماید: (الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا إن الله كان عليا كبيرا)) (نساء، ۳۴). مردان کارگزاران و تدبیر کنندگان زنانند؛ به خاطر آنکه خدا مردان را بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه از اموالشان هزینه زندگی آنان را می‌پردازند؛ پس زنان شایسته و درست کار فرمان بردار و مطیع شوهرند و در برابر حقوقی که خدا نهاده است، در غیاب شوهر (حقوق و اسرار و اموال او را) حفظ می‌کنند و زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنان دچار بیم شده‌اید، پندشان دهید و در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید و آنان را تنبیه کنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند برای در مضیقه قرار دادن آن‌ها هیچ راهی مجویید؛ یقیناً خدا بلند مرتبه و بزرگ است.

آیه فوق بیان می‌دارد که برخورد زنان در مقابل ریاست مردان در خانواده دو گونه است که هر کدام روش برخورد خاص خود را دارد (ابوالعینین، بی تا: ۱ / ۲۷۵).

الف) صالحات: زنانی هستند که دارای حالت آرامش، اطاعت از شوهر و انجام حقوق زوجیت می‌باشند شوهر نسبت به چنین زنی ولایت برای تأدیب ندارد؛ چون نیازی به تأدیب نیست.

ب) غیر صالحات: زنان سرکش و ناشزه هستند، به نظرات شوهران توجهی ندارند نیاز به اصلاح و تأدیب دارند. سه روش برای اصلاح و تأدیب در نظر گرفته شده است:

یک) پند و موعظه حسنه؛ در این مرحله شوهر تذکرات لازم برای حسن معاشرت، انجام وظایف زوجیت به زن می‌دهد این وظایف و تذکرات با توجه به خصوصیات زن و مرد متفاوت است.

دو) ترک همخوابی؛ که نباید بیش از چهار ماه باشد (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۹۵-۱۹۴).

سه) تنبیه جسمی؛ آخرین راه حلی که در این روش استفاده می‌شود؛ اما حدود تنبیه باید در آن رعایت شود و در صورت تعدی شوهر در اعمال این حد، زوجه حق شکایت دارد و برخی گفته‌اند در این صورت



می‌تواند تقاضای طلاق بدهد، اگر انجام کارهای فوق از جانب شوهر بی‌ثمر بود به دادگاه مراجعه کرده و از طریق ارجاع امر به داوری این مشکل را برطرف می‌نماید (ابو العینین، بی تا: ۱/ ۲۸۰) درمان نشوز مانند مراحل امر به معروف و نهی از منکر است. که ابتدای امر با کلام نرم است و اگر تأثیر نداشت مراحل بعدی با شدت بیشتری اجرا می‌شود (کاسانی، ۱۹۸۲: ۲/ ۳۳۴). برخی در معنای اضر بوهن گفته‌اند: یعنی زدنی که گوشت را مجروح نکند و استخوان را نشکند. باید سه مرحله: وعظ، هجر، و ضرب مترتب برهم باشد. اگر نشانه‌های نشوز آشکار شود آن زنان را موعظه کنید و اگر نشوز خود را اشکار کنند از آنان در بستر دوری کنید و اگر بر نشوز خود استمرار بخشند آن‌ها را بزنید. خطاب در واللاتی تخافون با محکمه است؛ چنانکه در آیه بعدمی فرماید (فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها) چون خطاب باحاکم باشد، حق او است و در شأن او است که زن را نصیحت کند. و اگر توافق نشد، محکمه حق دارد دستور دهد زن را برای عدم تمکین بزنند و زدن حق شوهر نیست (صدوق، ۱۴۱۳: ۵/ ۲۱۵).



## نتیجه‌گیری

در این نوشتار نتایج زیر به دست آمده است:

۱. خروج زن از منزل نباید با حق استمتاع زوج و همچنین با ریاست زوج بر خانواده منافات داشته باشد؛ در عین حال محدودیت خروج زن نباید مستلزم توجه حرج یا ضرری بر وی یا مستلزم فوت واجبی گردد. بر زوجه واجب است در هر زمان و مکان که مرد خواستار تمکین باشد، اطاعت کند و خواسته همسر را اجابت کند؛ مگر در مواردی که اجابت خواسته زوج مستلزم توجه حرجی بر زوجه یا وارد آمدن ضرر و آسیبی به او باشد.

۲. زوجه می‌تواند در مواردی از تمکین در مقابل مرد خودداری کند؛ مانند حالت حیض، نفاس، بیماری و...؛ همچنین زن تا وقتی که مهریه را دریافت نکرده، می‌تواند از تمکین در مقابل همسرش امتناع کند؛ ولی بعد از دریافت مهریه این حق را ندارد. این حق در اصطلاح فقهی به نام، حق حبس مشهور است؛ حنفیه در این مورد با چهار مذهب دیگر اختلاف دارد؛ زیرا این مذهب قائل است: زن بعد از دریافت مهریه نیز دارای حق امتناع است و می‌تواند در مقابل مرد تمکین نکند و در این صورت ناشزه نخواهد بود.

۳. بر اساس نظریه مشهور فقهای امامیه حق امتناع زوجه از تمکین خاص مطلق است و به اعسار زوج بستگی ندارد، هرچند حق مطالبه مهر ساقط می‌شود. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی نیز بر این مطلب تصریح دارد. گروهی از فقها بر خلاف نظریه مشهور بر این باورند که با صدور حکم اعسار زوج و تقسیط مهر، حق امتناع از تمکین با پرداخت اولین قسط ساقط می‌شود. این نظریه با ماهیت اخلاقی روابط خانوادگی، مذاق شریعت و ضوابط عدل و انصاف بیشتر سازگار است.

۴. هرچند وابسته بودن تمکین خاص با پرداخت مهریه شرایطی دارد، ولی به طور مطلق نیست؛ زیرا مهر و تمکین خاص دو حق و وظیفه مستقل می‌باشند و هرگونه ظلم و ضرری در این زمینه به زوجه برسد از راه اجبار قاضی قابل دفع است.

۵. درباره‌ی حق امتناع از تمکین خاص بعد از نزدیکی قبل از گرفتن مهریه سه نظریه وجود دارد: یک؛ زن حق امتناع از تمکین دارد، این نظریه مبتنی بر معاوضه بودن عقد نکاح و وابستگی مطلق تمکین به پرداخت مهریه است، چون یکی از عوضین بر اساس این نظریه منفعت بضع است که تدریجی الحصول است.

دو؛ بعد از تمکین، زوجه حق امتناع ندارد، هرچند قائل به معاوضی بودن یا شبه معاوضی بودن عقد نکاح باشیم؛ زیرا مهر در مقابل بضع قرارداد شده است نه اینکه مهر به دفعات تمکین خاص قرارداد شده



ضوابط عمومی معاملات معوض به طور کامل در باره عقد نکاح ساری نمس شود. این نظریه، نظریه‌ی مختار است.

سه؛ تفصیل بین صورتی که زن اکراه بر تمکین شده و بین اینکه خود را اختیاراً تمکین کرده در صورت اول می‌تواند امتناع کند و در صورت دوم حق امتناع از تمکین ندارد.  
۶. در موارد متعددی نفقه زوجه ساقط می‌شود.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- .....(۱۴۰۷ق)، کتاب النکاح، قم: دارالهادی.
- .....(۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- .....(۱۴۱۰ق)، منهج الصالحین، قم: نشر مدینه العلم.
- .....(۱۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی.
- .....(۱۳۸۷ق)، المبسوط، تهران: المكتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة.
- .....(۱۴۰۲ق) کشف القناع، بیروت: دارالفکر.
- .....(۱۴۳۱ق)، المجموع، بیروت: دارالفکر..
- .....(بی تا)، منهج الطالبین، بیروت: دار المعرفه.
- .....(۱۴۲۲ق)، استفتاءات، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- .....(۱۴۱۴ق)، المغنی، بیروت: دارالفکر.
- .....(۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- ابن ادیس حلی، محمد بن منصور(۱۴۱۰ق)، السرائر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
- ابن قدامه، شمس الدین بن محمد بن احمد(۱۴۱۳ق)، الشرح الکبیر، بیروت: دارالفکر.
- ابوالعینین، بدران(بی تا)، الفقه المقارن للاحوال الشخصیه، بیروت: دارالنهضة العربیة.
- اراکی، محمدعلی(۱۳۷۳ش)، کتاب النکاح، قم: نور نگار.
- امامی، سیدحسن(۱۳۶۸ش)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیة.
- ایرانی، بابک(۱۳۸۶ش)، مجموعه نظرهای مشورتی حقوقی، تهران: انتشارات مجد.
- باقری فرد، سعیده(۱۳۶۸ش)، تمکین زن، حقوق زنان؛ برابری یا نابرابری، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها .
- بحرانی، یوسف بن احمد(۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی .
- بخاری، عبدالله(۱۴۰۷ق)، جامع الصحیح المختصر(صحیح بخاری)، بیروت: دارابن کثیر.
- بداغی، فاطمه(۱۳۸۸ق)، اخلاق وحقوق خانواده، اصفهان: حدیث راه عشق.



- بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، استفتاءات، قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
- بهوتی، منصور بن یونس (۱۳۹۰ق)، **الروض المربع**، الرياض: مكتبة الرياض الحديثة.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۱۴ق)، **سنن البیهقی الکبری**، مکة المکرمة: مكتبة دارالباز.
- پورنگ نیا، اکرم (۱۳۸۲ش)، **حضانة و نفقة**، تهران: شامران، صحافی علانی.
- ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا)، **جامع الصحیح سنن ترمذی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، قم: کتابروشی داوری .
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، **الفقه علی المذاهب الاربعه**، بیروت: دارالثقلین.
- جهانگیری، محسن (۱۳۸۵ش)، **بررسی تمایزهای فقهی زن ومرد**، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- حائری طباطبائی، علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، **ریاض المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حلبی، حمزه بن علی بن زهره (۱۴۱۷ق)، **غنیة النزوع**، قم: مدرسه امام صادق (ع).
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، **صراط النجاة**، قم: مکتب نشر المنتخب.
- دسوقی، شمس الدین الشیخ محمد عرفه (۱۴۲۳ق)، **حاشیه دسوقی**، بیروت: دارالفکر.
- رملی، شمس الدین محمد (۱۴۱۴ق)، **نهایة المحتاج**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- روحانی حسینی، صادق (۱۴۱۲ق)، **فقه الصادق (ع)**، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق (ع).
- زمانی، محمدرضا (۱۳۸۴ق)، **حقوق خانواده به زبان ساده**، تهران: فرانک.
- سبزواری، باقر بن محمد مومن (۱۴۱۶ق)، **کفایه الاحکام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سجستانی، سلیمان بن اشعث ابوداود (بی تا)، **سنن ابی داود**، بیروت: دارالفکر.
- شربینی، محمد خطیب (۱۹۹۵م)، **مغنی المحتاج**، بیروت: دارالفکر.
- شریف علم الهدی، مرتضی (۱۴۰۵ق)، **رسائل**، قم: دارالقرآن الکریم.
- شیرازی، ابی اسحاق (۱۴۲۲ق)، **المهذب**، دمشق: دارالقلم.
- صادقی، محمد (۱۳۸۸ق)، **احوال شخصیه اهل سنت**، تهران: انتشارات خرسندی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صفایی، حسین (۱۳۸۵ش)، **حقوق خانواده**، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



- طالقانی، محمود (۱۳۵۸ق)، تفسیر پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ق)، حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸ق)، تفسیر میزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۲۸ق)، مکارم اخلاق، قم: نشر دارالحیب.
- طرابلسی، قاضی عبدالعزیز ابن براج (۱۴۰۶ق)، المهدب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، اللمعة دمشقیه، بیروت: دارالتراث.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۲ش)، زن در اسلام، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- علامه حلی، یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۹ق)، تفصیل الشریعة، قم: مرکز ائمه اطهار (ع).
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الابهام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فخر المحققین، ابوطالب (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، بیروت: دارالفکر.
- قشیری، مسلم بن الحجاج (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱ش)، حقوق خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاسانی، علاء الدین ابوبکر (۱۹۸۲م)، بدائع الصنائع، بیروت: دارالکتب العربی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۰۹ق)، مجمع المسائل، قم: دارالقرآن الکریم.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الطبع والنشر.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- محقق حلی، نجم الدین (۱۴۰۹ق)، شرائع الاسلام، قم: اسماعیلیان.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۶ش)، بررسی فقهی حقوق خانواده، قم.
- مرتضوی لنگرودی، محمد حسین (۱۴۲۳ق)، توضیح المناسک، قم.



- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹ش)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
- مفید، محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق)، احکام بانوان، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۰۱ق)، تحریر الوسیله، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- موسوی عاملی، محمد (۱۴۱۱ق)، نهاية المرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷ق)، جواهرالکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۲ق)، رسائل و مسائل، قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملا احمد.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع).
- نووی، یحیی بن شرف الدین (۱۴۳۲ق)، روضة الطالبین، بیروت: دارالفکر.